

احوال و آثارِ ملا محمد علی کشمیری

مؤلف «تحفة الاحباب»

غلام رسول جان*

نام، نسب و خانواده

محمد علی نام، ملا و مولانا لقب، وطن در کشمیر داشتند، تاریخ تولد، جای ولادت و دیگر حالات زندگی این مشهور زمانه شاعر و ادیب، عالم و فاضل و صوفی بزرگ در گوشه اخفا مانده، درباره حالات زندگی و دیگر کارنامه‌های وی از مآخذ دستیاب شده هیچ بر نمی آید، البته چند جنبه معاشرتی زندگی وی از کارنامه ادبی تحفة الاحباب می‌تابد!

* استاد مرکز مطالعات آسیای میانه دانشگاه کشمیر، سرینگر.

۱. ملا عبدالباقی نهاوندی در مآثر رحیمی ضمن شرح و احوال علما و فضلا همنام مصنف تحفة الاحباب ملا محمد

علی کشمیری را چنین معرفی می‌کند:

”ملا محمد علی کشمیری از ولایت دلپذیر کشمیر بود و خالی از استعداد و حالتی نبود و به‌قدر مقدور در وادی طالب علمی کوشیده بود و در انشاء و قوفی تمام داشت و در اوایل حال که از کشمیر برآمده در دکن در احمدنگر در سلسله سعادت خان دکنی که از ممالک نظام شاه بوده، می‌بود و اعتبار و اقتدار تمام نزد او داشت، یک چندی نیز به‌خدمت برهان‌الملک پادشاه احمدنگر رسید و راه ملازمت یافت و اعتبار تمام یافت، چون دکن بر دست این سپهسالار مفتوح شد و سلسله نظام شاهی مستاصل شد به‌غیر از دربار این پناه در ماندگان پناهی ندید به‌وسیله مقربان و باریافتگان ایشان در سلک ملازمان و مجلسان درآمد و به‌علوفه و جاگیر لائقه سرافراز شد و به‌دستور دیگر مستعدان بر ماهیت می‌گذرانید و از خوان ایشان بهره‌مند بود تا آنکه فضیلت و حالت خود را بر این سپهسالار ظاهر ساخت و به‌تاریخ سنه هزار و بیست و پنج در برهانپور به‌ترجمه کتاب حافش (کذا) از تصانیف مشهوره علامه‌العلما خواجه صائِن‌الدین ترکه که از عربی به‌فارسی آرد مأمور گردید و کمال حالت و فضیلت در آن کتاب به‌کاربرده آن خدمت را به‌انصرام رسانید و دیباچه آن را به‌نام نامی ایشان مزین ساخت و در آن ترجمه ید بیضا نموده بود. هنگام معروض داشتن و گذرانیدن آن نسخه راقم در حاشیه آن بزم حاضر بود که غایت مستحسن و مقبول افتاد و به‌صلات و انعامات سرافراز

گردید. از جوانان و خوش ذاتان این روز گار بود تا آنکه به تاریخ پانزدهم شهر ربیع الثانی سنه هزار و بیست و پنج در هنگام توجه این سپهسالار به جانب دکن در حوالی ملکا پور (برار) نقد حیات به قابض ارواح سپرد و در آن مکان برآسود. راقم تاریخ این قضیه‌هایی را این چنین یافته. تاریخ:

فرید دهر محمد علی که خامه او	بجان خصم نمودی همیشه شمشیری
وحید خطّه کشمیر آنکه ثانی او	ندیده دیده این روزگار تدویری
بمرگ دانش پیشوای اهل هنر	سپهر پیر بپوشید جامه قیری
ز بهر خوردنش القصه تیز دندان شد	دهان خاک کزین لقمه نیستش سیری
چو سال عمرش طی گشت سال تاریخش	بجو ز «مرد محمد علی کشمیری»

(۱۰۲۶ هـ)

(ملّا عبدالباقی نهاوندی، مآثر رحیمی، جلد سوم، چاپ کلکته، ۱۹۳۱ م، ص ۹-۵۸)

پروفسور عبدالقادر سروری به حواله مآثر رحیمی در ضمن علمای کشمیری به عهد اکبر ذکر ملّا محمد علی کشمیری را چنین می‌نماید:

«به عهد اکبر ذکر ملّا محمد علی کشمیری قابل ذکراند. وی از کشمیر به دکن آمد و در احمدنگر به امیر نظام شاهی سعادت دکنی متصل شد. بعد از آن ملازمت برهان‌الملک نظام اختیار کرد چون عبدالرحیم خان‌خانان احمدنگر را فتح نمود از علمای آنجایی با ملّا محمد علی ملاقی شد. خان‌خانان از قابلیتش خیلی متأثر شد و وی را در دربار خود شامل نمود به فهمایش خان‌خانان ملّا موصوف خواجه صائن‌الدین علامه‌العلماء را به فارسی ترجمه کرد. ملّا عبدالباقی نهاوندی این ترجمه را خیلی تحسین کرد و آفرین گفت ملّا (موصوف) در ملکا پور (برار) در سال ۱۶۱۵ م وفات یافت».

(عبدالقادر سروری، تاریخ ادبیات فارسی در کشمیر، چاپ حیدرآباد، ص ۹۶)

مصنّف مآثر رحیمی هرچه درباره ملّا محمد علی کشمیری نوشته و پروفسور سروری ادعای آن نموده از آن هویدا است که ملّا محمد علی کشمیری همان مصنّف تحفة الاحباب بود و وطن عزیز هردو کشمیر بود. با وجودی که هردو معاصر بودند، اما زندگی معاشرتی و کارنامه ایشان مختلف‌اند. حال و احوال مصنّف ملّا محمد که تذکره وی در اوراق آینده می‌آید، این فرق صاف به نظر می‌رسد.

غلام حسن بلتستانی نقل دارد که ملّا محمد علی نام، دو افراد همانام بودند. یکی از آنان خطاط مشهور و معروف به خط نستعلیق بود، دوم مصنّف تحفة الاحباب است. موصوف مزید نقل می‌نماید:

«به شمول ترقیمه کاتب کتاب تحفة الاحباب نام کاتب هیچ‌جا درج نشده است. البتّه کاتب همان مصنّف «تحفة الاحباب» خطاط معروف و مشهور به ملّا محمد علی کشمیری است که خوشنویس چیره‌دست در خط نستعلیق بود. نسخه خطی خلاصه المناقب که متاع گرانمایه کتبخانه اینجانب است، در سال ۱۰۹۲ هجری به دست وی کتابت شده است. طرز تحریر و خط هر در ترقیمه بالکل یکسان است».

(دانش فصلنامه، تابستان ۱۳۶۹ ش/ سپتامبر ۱۹۹۰ م، چاپ اسلام‌آباد، ص ۳-۱۸۲)

از بیان مزبور این نتیجه برمی‌آید که خطاط معروف به نام ملّا محمد علی کشمیری بعد از سال ۱۰۹۲ هجری زنده بوده باشد که با بیان ملّا عبدالباقی نهاوندی هیچ‌ربط ندارد که مشهور انشا پرداز ملّا محمد علی کشمیری در سال ۱۰۲۵ هجری درگذشت.

وجاهت خانواده

مولانا جمال‌الدین خلیل الله والد بزرگوار مصنف بودند. خلیل الله که به القاب ملّا، مولانا و جمال‌الدین متّصف بودند^۱. درباره تاریخ تولّد و جای ولادت وی مؤرخان و تذکره‌نگاران

شیخ محمد اکرام در ضمن تذکره اکابرین علمای شیعه لکهنو در قرن هجدهمین نوزدهمین، یکی از فقیه مایه‌ناز، علمای کشمیر ملّا محمد علی کشمیری را چنین یاد می‌نماید:

”در این عهد در فیض‌آباد (آترپرادش) ملّا محمد علی کشمیری شهره آفاق بود. وی شاگرد ملّا عبدالحکیم بودند و از کشمیر برآمده در فیض‌آباد ساکن شدند. توجّه او زیاد به علم فقه بود و بر فضیلت نماز جمعه رساله نوشت.“

(شیخ محمد اکرام، رود کوثر، چاپ دهلی، ۱۹۹۱ م، ص ۲۳۳)

می‌گویند که شیخ محمد علی کشمیری یکی از شاگردان قاضی نورالله شوستری بودند.

(تقلین سه‌ماهی، ج ۲، دهلی، ۲۰۰۱ م، ص ۱۳)

معلوم می‌شود که این همان شیخ محمد علی کشمیری می‌باشد که کتاب نجوم السماء را تألیف کرد و در آن ذکر قاضی به این مناسبت آورد که وی کتاب اثبات تشیع سید محمد نوربخش را به قاضی منسوب کرد.

(سید محمد مهدی المرتضوی النگرودی، تنویرالسراج، چاپ مشهد، ص ک)

واضح است که شیخ محمد علی کشمیری، شاگرد قاضی موصوف و فقیه مذکور ملّا محمد علی کشمیری را با صاحب تحفة الاحباب هیچ‌مماثلت نیست چنانچه در این بعد زمانی واضح است.

علاوه از این بعضی تذکره‌نویسان محمد علی نام، ملّا لقب، میر و میرزا کنیت نامی شعرا و ادبا را ذکر کرده‌اند که در آن مرزا محمد علی آزاد کشمیری (ز: ۱۲۳۱ هـ) محمد علی مرزا تمکین (م: ۱۱۳۲ هـ)، محمد علی مرزا جم، محمد علی حشمت تبّی (سده دوازدهم)، محمد علی مرزا رائج سیالکوتی (م: ۱۱۵۰ هـ)، محمد علی مرزا شکیب، محمد علی مرزا صائب اصفهانی (۱۰۸۱ هـ)، ملّا محمد علی غیرت کشمیری، محمد علی مرزا ماهر، محمد علی خان متین (۱۱۶۱ هـ) و میر محمد علی اکبرآبادی (م: ۱۱۸۹ هـ) و غیره سرفهرست‌اند.

(راشدی، حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۱، ص ۱، ۲، ۶۸-۱۶، ۳-۲۱۲؛ ایضاً ص ۶۰۸-۵۱۸، ۳۶-۱۳۲۹؛

اصلح مرزا، تذکره شعرای کشمیر، چاپ کراچی، ص ۳، ۱۸، ۱۸۹، ۲۵۲، ۲۶۸)

شعرا و ادبا متذکره بالا شهرت به‌وجه شاعری داشتند. از میان اینها همچنانکه واضح است، بعضی به‌کشمیر تعلّق نداشتند. البته در کشمیر ساکن بودند و در این خاک پیوست شدند. آنها که اصلاً از کشمیر نبودند تعیین زمانه آنها از مآخذ دستیاب شده به‌عهد ملّا محمد علی کشمیری (قرن دهم/یازدهم هجری) بسیار بعید به‌نظر می‌آید. زندگی و شخصیت ملّا محمد علی غیرت کشمیری مذکور که تعیین زمانه و دیگر حال و احوال وی از روی مآخذ مستند نمی‌شد البته در تذکره بی‌نظیر و روز روشن ذکر وی چنین درج است.

ملّا محمد علی کشمیری از ماهران فنّ نکته‌سنجی است و از شعرای کشمیر فردوس نظیر است او می‌گوید یک شعر دارد. (راشدی، حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۲، ص ۲۸۱).

۱. ”و چون این فقیر علیل خاکراه ذلیل، پرگناه محمد علی بن مولانا خلیل الله...“ (تحفة الاحباب، خطّی، ص ۳)

هیچ ذکر نکرده‌اند^۱. البتّه چند خط و خال زندگی معاشرتی وی بر رخ تحفة الاحباب نمایان‌اند. چنانچه صاحب تحفة الاحباب یکی از رویدادهای ذاتی به‌زمان او نقل می‌کند که ازو نقش‌گرایی اولین زندگی وی فراهم می‌شود، محمد علی می‌گوید:

از مطالعه تحفة الاحباب برمی‌آید که ملا محمد علی از بابا علی نجاری هم کسب فیض کرده است. وی منازل سیر و سلوک را به‌پیشوایی او طی نمود.

”خالی داشتم مولانا محمد نام و وی معتقد و مرید حضرت امیر شمس‌الدین محمد قدس سرّه بود و پیش از حضرت توبه انابت نموده و دست ارادت و تابعیت بذیل ارشاد و هدایت

آنحضرت مستحکم زده و تلقین ذکر خفی ارباب طریقت و تعلیم قواعد اهل سلوک و ریاضت آنحضرت گرفته و پیش آنحضرت چند سال اربعین‌ها به‌انواع عزلت و خلوت کشیده و در خدمت و ملازمت آنحضرت پیوسته مداومت و مواظبت می‌نمود و این فقیر را گاه‌گاه همراه خود می‌برد و به‌برکت صحبت و ملاقات آنحضرت مشرف و سرفراز می‌ساخت و آنحضرت چند مرتبه حال من از خال من پرسید که این فرزند کیست که همراه تو می‌آید. ملا محمد به آنحضرت عرض نمود که این جوان خواهرزاده من است و همراه خود به‌جهت شریف شما می‌آرم که تا باشد که به‌برکت صحبت درویشان و یمن ملاطفت ایشان در وی اثر کند و مدتی بدین نسق همراه خال خود می‌رفتم و آنحضرت گاه‌گاه درباره این فقیر التفاتهای مشفقانه مبذول و ارزانی می‌داشت و نظرات مرحمت آثار درویشانه به‌حال این کمینه می‌گماشت و هیچ‌دقیقه از

۱. از روی واقعه که در تحفة الاحباب درج است که حضرت میر شمس‌الدین محمد عراقی در سال ۸۸۸ هـ/۱۴۸۳ م (صحیح است ۸۸۳ هـ/۱۳۷۸ م) به‌غرض سفارت اولین بار وارد کشمیر شدند و در توقّف هشت ساله این جابه‌جایهای مختلف سکونت ورزیدند. قبل از برگشتن به‌عراق دو سال اخیر در خانقاه شیخ سلطان کبری به‌مقام درگجن (سرینگر) مقیم بودند، (تحفة الاحباب، ص ۶۵-۲۶۳) مراجعت حضرت میر عراقی به‌وطن خویش را می‌توان در سال ۹۱-۸۹۰ هـ/۶-۱۴۸۵ م قرار داد، لذا در سال ۹۰-۸۸۹ هـ/۵-۱۴۸۴ م حضرت میر در خانقاه شیخ سلطان مقیم می‌بودند و به‌همینجا مولانا جمال‌الدین خلیل الله همراه خالوی خود در خدمت و ملازمت حضرت درآمدند و در آنوقت مولانا در سن سیزدهم سال قدم نهاده بود (تحفة الاحباب/۲۶۵) از این رو سال تولد مولانا را در ۷-۸۷۶ هـ/۲-۱۴۷۱ م می‌توان قرار داد.

شفقت‌های کریمانه فرو نمی‌گذاشت و مدت یک‌سال به‌همین طریقه همراه خال خود به‌خدمت و ملازمت آنحضرت مداوت می‌نمودم و به‌شرف لقای آنحضرت مشرف و سرافراز می‌شدم تا روزی از روزها آنحضرت از نماز پیشین فارغ گشته بر صُفّه صفا که مصلّا و نمازگاه آنحضرت بود با جمعی از درویشان عالیشان خویش نشسته بودند و این فقیر هم همراه خال خود در مجلس شریف آنحضرت بود که یکبار آنحضرت چشم شفقت آثار و نظر فیض آثار به‌حال این فقیر خاکسار انداخت و به‌خال فقیر خطاب مستطاب نموده این فقیر را به‌التفات روح‌افزا بنواخت و فرمود که ملّا محمّد من می‌خواهم که این خواهرزاده تو پیش من بیعت کند و به‌دست من به‌شرف توبه و انابت مشرف شود، فی الحال خال من جهت امتثال فرمان آنحضرت برخاسته دست من گرفت و مرا پیش آنحضرت برده. نزدیک آنحضرت بنشاند و خود هم پهلوی من بنشست و آنحضرت به‌زبان شکر افشان خود فرمودند که ملّا محمّد باید که تو هم دست خویش زیر دست وی بنهی تا من دست خود بر دست او نهم و باید که تلقین بیعت تو هم بخوانی تا وی به‌موافقت تو تلقین تواند خواند و آنحضرت دست مبارکه خود که آیه کریمه یدالله فوق ایدیهم اشارت با دست بر دست این فقیر نهاد و الفاظ متبرکه بیعت آنحضرت به‌زبان مبارک خود تلقین می‌نمود و خال من هم همان الفاظ در عقب آنحضرت می‌خواند و من همان الفاظ همراه خال خود به‌متابعت خواندم و بعد از ادای کلمه شهادتین آنحضرت فاتحه فایحه برای فتح کار این فقیر خواندند و جمله درویشان آنحضرت که در مجلس شریف حاضر بودند هم فاتحه ادا نمودند. پس خال من پیش آنحضرت سجده تحیت به‌تقدیم رسانید و این فقیر هم به‌متابعت خال خود سجده تحیت بجا آورد و بعد از ادای سجده آنحضرت بر پیشانی این فقیر بوسه مشفقانه دادند و در حین تلقین بیعت وجود این فقیر از غایت حیا و کمال آزرم غرق عرق شده بود و آنحضرت پیش از برخاستن این فقیر به‌طریق و صیت نصیحت نموده فرمودند که خلیل باید که در صلوات خمس اوقات مداومت و مواظبت نموده باشی و تلقین ذکر صفا صوفی جمال گرفته گاه‌گاه بدانهم مشغولی و ممارست

نمائی و همیشه یاد من به خاطر داشته باشی و این محبت از خاطر فراموش نکنی پدر بزرگوار این فقیر می‌گفت که از آن زمان هیچ‌نماز مفروض را از من ناگزارده نماند و احیاناً اگر به سبب مهمی یا به ضرورتی نمازی از وقت معین از من فوت شدی فی الحال به قضای آن مبادرت نموده ادا کردی و از صوفی جمال تلقین ذکر خفی گرفته گاه‌گاه بدان هم مشغولی می‌نمودم و در آن محل که به دست آنحضرت به شرف بیعت و توبه مشرف و سرفراز شدم سن عمر من دوازده سال به کمال رسیده در سیزدهم قدم نهاده بودم^۱.

از این واقعه این حقیقت آشکار می‌شود که مولانا خلیل الله در آغاز سنین در میدان تصوف و سلوک قدم نهاده بود و قبل از رسیدن به سن بلوغیت این نوع اقدام عملی در مرتبط شدن به لائحه عمل زندگی آینده وی را مملد و معاون می‌باشد.

-
۱. محمد علی کشمیر، مخطوطه تحفة الاحباب، ص ۵-۲۶۴. در واقعه مزبور ذکر مولانا محمد به تواتر آمد. معلوم می‌شود که وی در خانواده مصنف خیلی محترم بودند درباره حالات زندگی وی تذکره نویسان خاموش‌اند، البته در تاریخ کشمیر چند علما و فضلا همانم وی بودند. ذکر آنها بدین نوشته است:
الف: مولانا محمد، معلم و استاد سلطان فتح شاه (م: ۱۰۲۵ هـ). (نامعلوم، مخطوطه بهارستان شاهی، ورق ۱۵۶؛ پیر غلام حسن، تذکره اولیای کشمیر، چاپ کشمیر، ص ۲۰۲)
ب: مولانا کمال‌الدین محمد گنایی، پدر میر حسین منجم بود. قطعه تاریخی خانقاه نوربخشیه طبع‌زاد اوست. (مخطوطه تحفة الاحباب، ص ۳۶۶)
ج: ملا محمد علامه پسر ملا احمد علامه بودند در سال ۱۴۱۲/۸۱۵ م درگذشت و در مقبره حضرت بلبل شاه (م: ۷۲۸ هـ/۱۳۲۶ م) آسوده‌اند. (پیر غلام حسن، تذکره اولیای کشمیر، ص ۴۵۳)
د: محمد و رانام و آنی لقب ز جامی گرفته فنون ادب (شیخ یعقوب صرفی، مخطوطه مغازی‌النبی، ورق ۵) مولد وی در ختلان است. در سالیان اواخر دوره شهمیریان به کشمیر درآمدند و انتخاب وی در مدرسه شاهی، سرینگر به حیث استاد شد. در سال ۹۴۸ هـ/۱۵۴۱ م، داعی اجل را لئیک گفت و در مقبره بهاء‌الدین گنج‌بخش آسوده‌اند. (شایق، عبدالوهاب، مخطوطه ریاض‌الاسلام، خواجه محمد اعظم، واقعات کشمیر، چاپ کشمیر، ص ۸۵)
ه: ملا عالم انصاری از یاران سید حسین قمی به‌شمار می‌آمدند و در موضع برانته ناحیه سوپور (کشمیر) بود و باش داشتند. ملا محمد فرزند ملا عالم انصاری بودند و پیش پدر تحصیل نمودند و بعد از وفات پدر از موضع مذکور به تانتری پوره متصل احمدپوره (ماگام، کشمیر) هجرت نمودند و آنجا شغل درس و تدریس اختیار کردند (همدانی غلام صفدر، تاریخ شیعیان کشمیر، چاپ کشمیر، ص ۹).
به‌طور وثوق نمی‌توان گفت که در مذکوره علما و فضلا کدام شخصیت به‌زیر بحث مولانا محمد مرتبط می‌شود.

مولانا جمال‌الدین خلیل الله بیشتر زندگی خویش را در سایه عاطفت پیر و مرشد خود گذرانید وی مصاحب خاص^۱ او بود و همیشه در خلوت و جلوت از هم‌رهانش^۱ از طرف مرشد خویش به‌طور ایلچی و سفیر در دربار پادشاهان وقت و نزد امرا زمان آمد و رفت می‌داشت^۲ و به‌حیثیت صوفی بزرگ در نظم و نسق خانقاه نوربخشیه (زدی بل سرینگر) و در انجام دادن کارهای لایقه شریک و سهیم وی بودند. مختصر اینکه وی مدارالمهام میر شمس‌الدین محمد عراقی بود و بسا اوقات امیدوار الطاف و اکرام نیز بودند. وی اکثر و بیشتر وقفیات و موقوفه اراضی را نگران بود و متولی بعضی مساجد هم^۳.

امیر سید جعفر نوربخشی،
خواجه اسمعیل قاری، خواجه
جوهر و امیر سید بدلا
و غیره در زمره مصاحبین و
رفقای ملا محمد علی کشمیری
به‌شمار می‌آیند.

خلیل الله که از القاب ملا یا مولانا یاد می‌شد، خالی از معنی نبود، حضرت میر شمس‌الدین وی را اکثر و بیشتر به‌همین القاب یاد می‌کردند^۴. مولانا جمال‌الدین خلیل الله بر همه علوم و فنون ماهر بودند و اکتساب علوم ظاهری را از ملا فاضل رومی^۵ کردند و زیر تلمذ وی بعضی حصه‌های مطول را مطالعه نمود^۶. در بعضی از شاهکارهای تصوف و عرفان و رسائل دیگر علمی مهارت داشتند. در خانقاه نوربخشیه

۱. محمد علی، تحفة الاحباب، ص ۳.

۲. بعد از انهدام عمارت جوگی لنگر به‌دربار سلطان فتح شاه رفتند و به‌نتیجه بحث و تکرار مستوجب سزا شد. (تحفة الاحباب، ص ۵۱۰)

۳. مسجد جامع بزرگ پدر فقیر (محمد علی) حواله کرده‌اند و مقدار هفت خروار زمین وقف آن مسجد تعیین نموده پدر این فقیر سپردند. ... و آن لنگر (جوگیان) و مقام را باهر دوده و آنچه در پی لنگر وقف بود، پدر بزرگوار این فقیر (محمد علی) حواله کرد. (تحفة الاحباب، ص ۱۶-۵۱۵)

۴. محمد علی، تحفة الاحباب، ص ۴۸.

۵. از روم وارد کشمیر شدند. (تحفة الاحباب، ص ۳۸۱)

۶. تحفة الاحباب، ص ۲۸۱.

کلیات حضرت امیرکبیر میر سید علی همدانی، تصانیف سید محمد نوربخش و دیگر تألیفات تصوف را به‌درویشان درس می‌دادند^۱، به‌علاوه تعلیم و تربیت مریدان و مشایخ دیگر را خود داشتند. قاضی محمد قدسی در یک مثنوی خود مدح و توصیف جامعی از صفات و شخصیت او ذکر کرده است و وی را در راه خدا استوار، واقف اسرار و رموز، صالح و عابد، مرید با صفا و با وفا، مخلص، ثابت قدم و زنده دل و غیره توصیف کرده‌اند.

ثانی اثنین خلیل الله است آنکه ز اسرار خدا آگه است
مخلص ثابت قدم و با وفا صالح و صافی دل و صاحب صفا
عابد و زنده دل و پرهیزگار در طلب راه خدا استوار

مولانا جمال‌الدین خلیل الله متأهل بودند و اولادها داشتند^۲. به‌حوالی خانقاه نوربخشیه در زدی بل (سرینگر، کشمیر) مسکن داشتند^۳ از مطالعه تحفة الاحباب برمی‌آید که در عهد سلطان حسن شاه کشمیری (۸۴-۱۴۸۲ م) در دهلیز خوردسالگی قدم نهاده بودند و در دور فترات طوائف‌الملوکی و مناقشهای باهمی سلطان محمد شاه، سلطان فتح شاه و دیگر امرا وزرا کشمیر زندگی می‌گذراند. وی دوره تسلط مرزا حیدر دوغلت (م: ۱۰۵۸ ه) هم مشاهده کرد و هر ظلم و جبر و غارتگری مرزا به‌حیثیت گواه چشم‌دید نگران و ناظر بودند بعد از وصال به‌حق حضرت امیر شمس‌الدین (م: ۹۳۲ ه) چون حضرت شیخ دانیال به‌نفس نفیس تعلیم و تربیت مریدان و درویشان به‌دست خویش گرفتند در آن وقت مولانا خلیل الله به‌صاحب تحفة الاحباب جوان بودند^۴. از روی واقعه مولانا در سال ۹۶۰ ه/ ۱۵۵۳ م زنده بودند. به‌رحال مولانا در کدام سال و کی وفات یافتند و مدفن وی کجا هست، در این ضمن به‌طور وثوق چیزی نمی‌توان گفت.

۱. تحفة الاحباب، ص ۴۰.

۲. همان، ص ۱۶-۵۱۵.

۳. همان، ص ۴۱۵. از مطالعه تحفة الاحباب برمی‌آید که قبل از منتقل شدن به‌مقام زدی بل (سرینگر) مولانا جمال‌الدین جای دیگر بود و باش داشتند و درباره مسکن آبائی وی هیچ‌اطلاعی در دست نیست.

۴. تحفة الاحباب، ص ۴۲۸؛ اما این امر مبنی بر حقیقت نیست چنانچه وی در آن وقت پیر و کهن سال شده بودند.

پرورش، تعلیم و تربیت

با در نظر گرفتن شرافت نسبی و وجاهت حسبی و محیط دینی و عرفانی، علمی و ادبی خانواده وی این امر روشن می‌شود که پرورش، تعلیم و تربیت ملّا محمد علی کشمیری را به‌طور احسن انجام داده باشند. در درس و تدریس ابتدائی وی والد بزرگوار که خیلی متقی و صوفی منش بودند، سهیم و شریک بودند. واضح است که ملّا محمد علی مانند والد بزرگوار خود در آغاز سنین به‌راه سلوک و طریقت گامزن شدند چنانچه واقعه ذیل قول ما را تصدیق می‌نماید:

”... یاد دارم که در سن پنج سالگی بودم و مرا به‌جهت سلام آنحضرت و تشریف دیدار پیش آنحضرت بردند و چون نزدیکی رسانیدند درخت توتی بزرگ بود زیر آن درخت فقیر را گرفته منتظر ماندند تا پدر بزرگوار فقیر را خبر کردند و پدر این فقیر متوجه شده فرموده که نزدیک بیارید چون نزدیک‌تر بردند پدر بزرگوار این فقیر را در کنار خود گرفته پیش آنحضرت برد و برای محافظت ادب اندک دورتر نشاند. آنحضرت فرمودند که نزدیک‌تر بیارید فقیر را اندکی نزدیک‌تر بردند آنحضرت دست مبارک خود بیارید و زانوی فقیر گرفته به‌جانب خود کشید چندانکه هر دو زانوی فقیر به‌زانوهای مبارک آنحضرت متصل گردید و یاد دارم که آنحضرت چیزی می‌خواندند و دست مبارک خود بر وجه نورانی خویش می‌کشیدند و باز بر روی این فقیر می‌کشیدند و عرقهای جبین و خوی روی مبارک خود به‌دست مبارک گرفته درود خوانان بر روی فقیر می‌مالیدند و قریب هفت هشت مرتبه همین ملاطفات درباره این فقیر بی‌بضاعت مبدول می‌داشتند و در دهن مبارک آنحضرت نبات بود که آن را می‌مکیدند و جمله آن نبات‌ها از دهن مبارک آبدار و از رطب‌اللسان آنحضرت سیراب شده و شیرینی‌های خود از حلاوت کام و دهن آنحضرت مضاعف ساخته بود می‌خوردم و در حین خوردن آن نبات‌ها آنحضرت سخنی چند به‌این فقیر گفتند که به‌واسطه فرح و سرور آن سخنها پدر فقیر خوشحال و خنده شده و آنحضرت هم تبسم‌ها نمودند و... آنحضرت فرمودند که پاره نبات دیگر بیارید یک صوفی رفته پر دو دست خود پر از حبه‌های نبات سفید آورد و آنحضرت از

دستار مبارک خود خریطه خورد برآوردند و یک چار گوشه از آن خریطه برآمد و آنحضرت آن چار گوشه را بدست این فقیر دادند و پدر بزرگوار، آن را چار

گوشه کمر بند این فقیر بست. پس آنحضرت فرمودند که خوردنی برای وی بیارید صوفی رفته یک طبقی پر از پول و زرد و پارچه از یخنی‌ها و چند نانی آورده پیش فقیر نهاد و آنحضرت یک لقمه به دست مبارک خود در دهن این فقیر نهادند و بعد از آن فرمودند که این طبق پول و همراهش به‌خانه او برید تا

ملا محمد علی کشمیری دوره تسلط مرزا حیدر دوغلت بر کشمیر را درک نمود و این دوره را دوره‌ای تاریک با ظلم و ستم بر پیروان شیعه مذهب نوربخشیه می‌داند.

با برادران خود به هم بخورد. یک صوفی آمده فقیر را بکنار گرفته بخانه رسانید و این نوبت که به شرف دیدار آنحضرت مشرف و سرافراز گشتم بوجه مبارک آنحضرت چندان روشن و منور ساختم که تمام صورت و هیكل و شکل و شمائل آنحضرت در خزینه خیال متصور و هر صفحه حافظ منقش است!^۱

تحفة الاحباب واقعه دیگری که در آغاز عمر وی رویداد را چنین یاد می‌کند:

”من فقیر مستهام یاد دارم که در ایام طفولیت با کودکان و اطفال صوفیان در حریم دروازه شریعت بازی می‌کردیم که ناگاه مردم از سر دروازه غوغا کردند که حضرت میر بیرون برآمدند و همه مردم در آن حریم بودند گریختند و جماعت اطفال و کودکان که بودیم هم پس کلبه دربان دروازه پنهان شدیم و آنحضرت برآمده سر دروازه نشستند و اطفال از پس آن کله سرها بیرون کرده نظر می‌کردیم که ناگاه چشم مبارک آنحضرت بر ما افتاد و چند صوفی پیش آنحضرت بودند ایشان را فرمود که این کودکان که پس این حجره پنهان‌اند ایشان را بطلبید. صوفی پیش ما آمده همه کودکان را نزد آنحضرت برد و آنحضرت فرمودند که ایشان را پاره پولها بدهید از کمر خود وا کرد و هر کودکی را چهار چهار پول داد و این فقیر هم چهار پول گرفته بر

۱. محمد علی، تحفة الاحباب، ص ۹۱-۳۸۹.

روی مبارک آنحضرت نظاره می‌کردم و به‌دیدار شریف آنحضرت مشرف می‌شدم^۱.

سرچشمه‌های عرفان

وقایع مذکور بر این امر دلالت دارند که صاحب *تحفة الاحباب* ملّا محمد علی کشمیری از کودکی به‌خدمت و ملازمت صوفیان و عرفا درآمدند، وی از حضرت امیر فیوضات روحانی دریافتند. خانقاه نوربخشیه (زدی بل، سرینگر)، یکی از مراکز بزرگ برای حصول سلوک و عرفان بود. در این خانقاه مذکور در اعتکاف‌نشینی و چله‌کشی و در ریاضت و مجاهدات و طاعات و عبادات یکی از مراکزی به‌شمار می‌آمد که به‌زیارتگاه زایران و آموزشگاه مشایخ شهرت داشت و مکان مجالس روح‌پرور و دیگر اوراد و اذکار و وظائف بود. ملّا محمد علی در این محیط روحانی پرورش یافت.

از مطالعه *تحفة الاحباب* برمی‌آید که ملّا محمد علی از بابا علی نجاری هم کسب فیض کرده است. وی منازل سیر و سلوک را به‌پیشوایی او طی نمود. چون حضرت میر شمس‌الدین داعی اجل را لَبَّیک گفت در رهبری شیخ دانیال چله‌کشی و اعتکاف‌نشینی و دیگر اعمال و اوراد را انجام می‌دادند. بسیار محتمل است که ملّا محمد علی در صحبت و ملازمت وی در میدان سلوک و ریاضت منازلی را طی کرده باشند.

چشمان فیض و مصاحبین

علاوه بر کسب علوم باطنی ملّا محمد علی علوم و فنون ظاهری و علوم اکتسابی را تحت تعلیم میر حسین منجم، ملّا فاضل رومی و ملّا حافظ بصیر خنده بهونی (م: ۹۶۴/هـ ۱۵۵۷ م) اخذ کردند^۲. وی میر حسین منجم را به‌القاب استادی و قدوة‌الاماجد یاد کرده‌اند. حال و احوال این اساتید بزرگ در تاریخ کشمیر به‌نظر نمی‌آید. بعضی از علما و فضیلا نامور کشمیر به‌شاگردی ملّا حافظ بصیر خنده بهونی^۳

۱. *تحفة الاحباب* (خطی)، ص ۳۸۴.

۲. همان، ص ۴۶۳.

۳. مؤرخان و تذکره‌نگاران بعضی از جنبه‌های درباره‌ی حیات و کارنامه‌های ملّا حافظ بصیر تذکره داده‌اند.

مفتخر بوده‌اند^۱، ملا محمد علی وی را به القاب استادنا، مخدومنا^۲ و مخدومی مرحوم^۳ یاد کرده‌اند. امیر سید جعفر نوربخشی، خواجه اسمعیل قاری، خواجه جوهر و امیر سید بدلا و غیره در زمره مصاحبین و رفقای ملا محمد علی کشمیری به‌شمار می‌آیند.

کمال صحبت و هم‌نشینی این علمای معروف آن زمان بر محمد علی کشمیری اثر کرد و تحت تعلیم اینها کسب فیض کرد و بر مبنای تبخّر علمی به لقب ملا مفتخر شد. تحفة الاحباب به روشنی گواه بر این است که ملا محمد علی کشمیری بر علوم و فنون رایج زمان خود احاطه خوبی داشته است. و علوم اینها را با ژرف‌نگری فراگرفته بود و در علم تفسیر تبخّر کامل داشت و بر احادیث و روایات به‌خوبی آگاه و در فلسفه و حکمت تسلط داشت. بعضی از شاهکارهای تصوف و عرفان و دواوین شعرای نامور فارسی را از بر کرده بود و به‌زبان و ادب عربی به‌خوبی آشنائی داشت ذوق شعری هم داشت. تحفة الاحباب دلیل روشنی بر کمالات و جامعیت محمد علی کشمیری است.

عهد مصنف

ملا محمد علی کشمیری سیر زندگی خود را از اوّل قرن دهم هجری/هفدهمین میلادی آغاز می‌کند، وی در خانقاه نوربخشیه تمام فعالیت‌هایی که زیر نظر حضرت میر شمس‌الدین عراقی انجام می‌شد را به‌چشم خود مشاهده می‌نمود^۴. بعد از وفات میر شمس‌الدین، حضرت شیخ دانیال (م: ۹۵۸/هـ ۱۵۵۱ م) و حضرت بابا علی نجاری در خانقاه مذکور و دیگر خانقاه‌ها پیشوائی اعتکاف‌نشینان و چله‌کشان را می‌نمود. ملا محمد علی ناظر این فعالیتها بود و به‌دقت آنها را ارزیابی می‌نمود. وی دوره تسلط مرزا حیدر دوغلت بر کشمیر را درک نمود و این دوره را دوره‌ای تاریک با ظلم و ستم بر پیروان شیعه مذهب نوربخشیه می‌داند. وی خصوصاً در برخی محافل ادبی دربار میرزا

۱. شیخ یعقوب صرفی کشمیری (م: ۱۰۰۳/هـ ۱۵۹۴ م) بابا داود خاکی (م: ۹۸۴/هـ ۱۵۷۶ م) مولانا شمس‌الدین

پال و مولانا میر رضی‌الدین (م: ۹۵۷/هـ ۱۵۵۰ م) و غیره علمای جید در زمره شاگردان وی به‌شمار می‌آیند.

۲. محمد علی، تحفة الاحباب، ص ۱۹۸.

۳. همان، ص ۱۹۰.

۴. محمد علی یکی از روایدهای ذاتی بیان کرده است که به‌جانب وی اشاره شد.

حیدر دوغلت شخصاً شرکت داشته و آنها را شرح نموده است.^۱ ملّا محمد علی، حضرت شیخ دانیال را به عنوان شیخ شهید یاد کردند.^۲ ملّا محمد علی تا دوره حکومت

تحفة الاحباب کتابی جامع و مبسوط است و حیات و کارنامه‌های حضرت میر شمس‌الدین محمد عراقی (م: ۹۳۲ هـ) را دربردارد.

سلطان حسین شاه چک (۷۹-۱۵۶۳ م) زنده بود. از تحفة الاحباب برمی‌آید که وی عمری طویل یافت.^۳ از واقعه که در تحفة الاحباب درج است این نتیجه اخذ می‌شود که مصنف ملّا محمد علی کشمیری در سال ۱۰۰۹ هـ/۱۶۰۰ م) به قید حیات بودند.^۴

از مطالعه تحفة الاحباب برمی‌آید که مصنف

محمد علی اطراف و اکناف کشمیر را سیاحت نموده‌اند. خصوصاً به آن نواحی که در آن حضرت میر عراقی شخصاً تشریف ارزانی فرموده بودند، به مسافرت رفتند، مسافرت به این نواحی فقط به این دلیل که از زبان افراد معمر، کهن سال و سن رسیده حالات واقعات و صحّت و درستی روایات را تحقیق نماید.

درباره سال وفات و مدفن مصنف دلیل قاطع و روشنی به دست نمی‌آید. زندگی خانوادگی وی در گوشه اخفا مانده است. آیا اولاد نرینه داشت یا نه.^۵ این هم نیاز

۱. صاحب تحفة الاحباب شاهد عینی یکی از محافل ادبی است که به‌دربار مرزا حیدر دوغلت منعقد شد و موضوع بحث این مجلس ادبی شعر و شاعری مولانا جامی بود و این بحث و تمحیص مابین خود مرزا حیدر و مولانا آنی هروی به‌وقوع آمد. محمد علی می‌گوید: "من فقیر در این مجلس مرزا حیدر را بدم و تمام جواب و سؤالات این معاملات از زبان ایشان به‌گوش خود شنیدم". (تحفة الاحباب، ص ۲۸۴)

۲. تحفة الاحباب، ص ۴۱۱.

۳. مترجم تحفة الاحباب به‌زبان اردو حدّ فاصل مصنف محمد علی را به صد سال کشیده است و وی را مصنف طویل‌العمر جهان گردانید است. (محمد رضا آخوندزاده، تحفة کشمیر، چاپ لاهور، ص ۱۲) معلوم می‌شود که مترجم مذکور را در فهمیدن واقعه اصل تسامح شده است.

۴. محمد علی در طول عمر خود مسافرت به یک ناحیه که نامش نبرده، کرده است این همان ناحیه است که حضرت میر شمس‌الدین برای جمع کردن چوب و حطب برای تعمیر خانقاه نوربخشیه رفته بود. واضح است که حضرت میر به یکی از ناحیه دورافتاده به نام مهاسن مسافرت نموده بودند و آنجا این کار انجام داده بودند. بعد از گذشتن صد سال محمد علی به این ناحیه مسافرت کرد. (تحفة الاحباب، ص ۳۶)

۵. مؤلفین تذکره روز روشن و تذکره بی‌نظیر ملّا ابوالحسن ساطع را فرزند ملّا محمد علی کشمیری گردانیده‌اند سرطبق گفته بعضی از تذکره‌نگاران وفاتش در سال ۱۱۵۰ و ۱۱۶۵ هجری به‌وقوع آمد. شهرت زیاد او به‌وجه شاعری است. (راشدی، حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۱، ص ۱۹۱)

به تحقیق بیشتری دارد، البتّه وی صاحب برادر بودند و دیگر عمزادها و بچّه‌های آنها از تحفة الاحباب ثابت است.

مذهب، عقاید و آراء مصنف

مصنف ملا محمد علی راسخ‌العقیده نوربخشی صوفی مشرب، متورع و متشرع بودند. وی مؤمنی حقیقی به دین اسلام بودند و هر اقدامی که در این زمینه انجام می‌شد نزد وی قابل تحسین و پسندیده بود. وی علی^(ع) را علی ولی الله و خلیفه رسول الله^(ص) می‌داند. چنگ زدن به دامن ولایت وی را تأکید می‌کند. به خانواده سیدالمرسلین عقیدت و محبت زایدالوصفی دارد. وی محبّ اهل بیت بود و دشمنان آنان را نفرین می‌کند. نزد وی یزید قابل لعن و طعن است و هند جگرخوار مستحق نفرین. علمبردار شریعت، طریقت و حقیقت ملا محمد علی به اولیای عظام و صوفیای کرام خیلی محبت می‌ورزند و دشمنان وی را قابل نفرین می‌دانند. به زعم وی رنجانیدن فقرا و درویشان ناپسند می‌باشد که نفس ایشان خالی از معنی نبود^۱. در نزد وی تذکره مشایخ و اولیا باعث ثواب است و شنیدن حال و احوال آنان فوائد بی‌شمار دارد.

ملا محمد علی خود از صوفیان بزرگ بودند. وی داعی و پیرو و ترجمان و حامی سلسله علیّه همدانیه بودند. سلسله نوربخشیه را منبعث از سلسله علیّه همدانیه می‌داند وی معترف به امامت و خلافت حضرت ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق بودند و وی را به لقب امام همام یاد می‌کند و بر وی درود و سلام می‌فرستد. وی قایل به اجتهاد سید محمد نوربخش بودند. وی خود را نه تنها از مقلدین وی می‌داند بلکه دیگران را هم تقلید از او می‌کند وی حضرت سید محمد نوربخش را اکثر و بیشتر به القاب امام همام یاد می‌کند و او را و دیگر آباء و اجداد وی را درود و سلام می‌فرستد. موصوف را به القاب امام زمان، صاحب الزمان، قطب دوران، قطب اوتاد و غوث افراد و غیره یاد می‌کند و تمسک به تصانیف و تألیفات وی خصوصاً به فقه احوط تأکید می‌ورزد و در ضمن مسائل فقهی و تشریحات دیگر آرا و تراجمه فارسی، فقه احوط ملا حسین کوکبی را مقدم می‌داند. مصنف محمد علی قایل بر جواز سماع است و می‌گوید:

۱. تحفة الاحباب، ص ۵۱۵.

”آری، سماع آرام دل عاشقان است و سرور سینه صادقان و غذای جان سایرین و قوت جناح طایران و دوی درد سالکان و مرهم داغ والهان و زلال سوزش تشنگان و راحت جگر سوختگان.^۱“

وی براساس نظر یکی از احادیث مبارک آنحضرت وجد و تواجد را واجب‌الاتباع می‌داند. وی قایل است که عشق مجازی تعبیر حقیقت است و در ضمن المجاز قنطرة الحقیقت دلائل می‌دهد. اهمیت پیر و مرشد به نظر مصنف امری بدیهی است وی تعلق پیر و مرید را به عاشق و معشوق چنین تعبیر می‌کند:

”اولاً و ظاهر مرید طالب پیر، اما آخراً و حقیقه پیر طالب مرید می‌باشد“^۲.

بحث پیر به جانب مرید زیاد می‌باشد و اندکی از آن چنین است:

”اگر مهر و محبت صد مادر مهربان که به فرزندان خود داشته باشند، جمع کنند هنوز مهر و محبت پیر به جانب مرید زیاده آید“^۳.

تصنیف و تألیف ملّا محمد علی کشمیری

همچنانکه قبلاً اشاره شد ملّا محمد علی کشمیری نه فقط یک صوفی بودند بلکه وی شاعر و ادیب و عالم و فاضل هم بودند کتابی به نام «تحفة الاحباب» تصنیف کردند و این را به عنوان امر عالیشان تعبیر کرده است و آن را کار بی‌حدّ و بی‌پایان گفته است. مصنف این کار ارزشمند را در اواخر زندگی خویش شروع می‌نماید. چنانچه می‌گوید در اعوام عمر و ایام حیات این فقیر به آخر نزدیک تر می‌شد و حواس و قوای این کمبینه به ضعف و سستی قریب تر می‌گشت، چنین به نظر می‌رسد که تحفة الاحباب در دوره سلطنت سلطان حسین شاه چک (۷۹-۱۵۶۳ م) تألیف شده است. مؤلف آرزو داشت که کتابی تألیف کند و چون دوستان و احباب وی را وادار نمودند تا کتابی در تاریخ میر شمس‌الدین عراقی تألیف کند او کتاب را تحفة الاحباب موسوم کرد چنانچه خودش معترف است که:

۱. تحفة الاحباب، ص ۱۸۴، ۲۷۱، ۳۱۶.

۲. محمد علی کشمیری، تحفة الاحباب (خطی)، ص ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۷۹.

”و چون سبب تحریر این رساله و باعث تسطیر این مقاله التماس احباب و اصحاب انفاس ارباب بوده بدان سبب این رساله موسوم گشت به تحفة الاحباب.“
از مطالعه تحفة الاحباب برمی آید که این کتاب بر یک مقدمه و چهار باب مشتمل است مصنف محمد علی عناوین ابواب را طوری درج کرده اند که این عناوین گویای به آن موضوعات که در ابواب درج اند می باشند. باب اول و دوم به نسبت باب سیوم و چهارم در فصول منقسم شده است:

”تحفة الاحباب کتابی جامع و مبسوط است و حیات و کارنامه های حضرت میر شمس الدین محمد عراقی (م: ۹۳۲ هـ) را دربردارد. از حیث موضوع این کتاب منحصر به فرد است. اقتباس ذیل مظهر موضوعات است: چون در اکثر اوقات ذکر محامد ذات و محاسن صفات آن منبع کرامات و مجمع کمالات در مجالس و محافل ارباب سعادات واقع می شد و گاهی از مساعی جمیله آن مقتدای انام که در احیای مراسم و شعایر اسلام و ترویج و قواعد شرایع و احکام مبذول داشته اند، سخن ها می رفت و گاهی در کیفیت کسر اوئان و شکست اصنام و تخریب و انهدام معابد کفره و پیوست اهل ضلال، حکایات می گذشت و گاهی از کثرت بنای مساجد و جوامع و تعمیر خواناتق و صوامع که در منازل دیور کنائس منهدمه دیگر مواضع عمارت نموده اند، حدیث می کردند و گاهی از قلاع مراسم... اجماع... و ارتفاع الویه دین و ملت ارتفاع اعلام و اسلام و شریعت... ید بیضا... می نموده اند، سؤال می کردند و گاهی از طریق سلوک راه و ارشاد سالکان درگاه و تربیت طالبان الله و جویندگان قرب الله که از برکت هدایت آن ولایت پناه به وقوع انجامیده بود، می پرسیدند و گاهی از کثرت کرامات و اظهار معجزات و وفور خوارق عادات که از آنحضرت و سایر متمسکان ذیل ولایت و معتصمان عروه هدایت می فرمودند...“^۱

این اقتباس ادعای وجه تصنیف است و به تخصیص موضوعات را روشن می سازد.

۱. تحفة الاحباب (خطی)، ص ۸-۷.

مصنّف در تصنیف و تألیف تحفة الاحباب از مآخذ و منابع متعدّدی استفاده کرده‌اند که تعداد آنها تقریباً به‌چهل می‌رسد و تفصیل آنها بدین ترتیب است:

صحیفة الاولیا از سیّد محمد نوربخش، فقه احوط (عربی) از سیّد محمد نوربخش، فقه احوط (ترجمه فارسی) از مولانا محمد حسین کوکبی، رساله اقبالیه از شیخ علاءالدوله سمنانی، در بحر المناقب فی فضائل علی ابن ابی طالب از مولانا برهان‌الدین بغدادی، دیوان اسیری لاهیجی، شرح گلشن راز، شرح دیوان از قاضی حسین یزدی، مثنوی اسرارالشهدود از شیخ محمد نوربخش، مشارب‌الاذواق از میر سیّد علی همدانی، رساله عقاید و بیان احوط (عربی) از سیّد محمد نوربخش، مرثیه محمد غیبی، واردات غیبی منظوم از محمد نوربخش، کتاب نوریّه از سیّد محمد نوربخش، دیوان حافظ، مثنوی مولانا روم، عوارف‌المعارف از شیخ شهاب‌الدین، فتوحات مکی، مؤلفات شیخ مقتول، قصاید ابوحنیفه عمر ابن الفارض، حدائق از شاه کمال‌الدین، تجلجل الذات از شیخ نجم‌الدین، زهت‌الارواح، زاد‌المسافرین، کنزالرموز و سی‌نامه از میر سیّد حسین سادات، اوراد فتحیه از میر سیّد علی همدانی، خلاصه‌المناقب از جعفر بدخشی، اخوان‌الصفاء، تعریف‌نامه درویشان از شیخ دانیال، رساله کشف‌الحقائق از سیّد محمد نوربخش و غیره.

شرح واقعاتی که مؤلف خود ناظر آن بوده، نقول بلاواسطه از ملّا جمال‌الدین خلیل‌الله و بیانات از میر شمس‌الدین محمد عراقی بر اهمیت این کتاب می‌افزاید به‌علاوه روایات و واقعات که از راویان و ناقلانی چون بابا علی نجاری، ملّا حافظ بصیر، میر حسین منجم، خواجه اسمعیل قاری، امیر سیّد بدلاوا میر سیّد جعفر نوربخشی و غیره قابل ذکراند.

صاحب تحفة الاحباب از بوستان‌های مختلف گلهای گوناگون را انتخاب کرده چنان‌گلدسته آماده کرده است که آن محیط تاریخی، اجتماعی، ادبی، عقیدتی و مذهبی و روحانی را به‌نحو شایسته‌ای منعکس می‌کند. مؤلف حیات و کارنامه سیّد محمد نوربخش را به‌تفصیل بیان کرده است. محمد علی احوال و قواعد سلسله نوربخش، سلوک و ریاضت، نشر و اشاعت سلسله طریقت نوربخشیه در ممالک دیگر و تعمیر و ترصیص

خواتق و جوامع و مساجد و دیگر موارد را ذکر کرده است. علاوه از این تذکره خلفاء و مصاحبین و بلاواسطه سید محمد نوربخش را نیز شرح داده است. در این زمره شیخ محمد سمرقندی المتخلص به «فراقی»، قاضی سمرقند مولانا محمد شیخ محمود بحری، پیر حاجی بحرآبادی، مولانا حسین کوبی، شیخ محمود دزفولی، مولانا برهان‌الدین بغدادی، شیخ محمد لاهیجی، قاضی حسین یزدی، جلال‌الدین دوانی، شیخ محمد غیبی، شیخ بهاء‌الدین کشمیری، شیخ سلطان کشمیری، شیخ محمد الوندی، درویش ابراهیم، شاه قاسم فیض بخش، بابا اسمعیل کبروی و شیخ شمس‌الدین محمد عراقی و غیره. همچنانکه اشاره شد *تحفة الاحباب* حیات و کارنامه میر شمس‌الدین محمد عراقی را دربردارد و نیز تعلیمات، چشمان فیض، تبلیغ، سلوک و ریاضت، کشف و کرامات نیز خوارق و عادات وی را مشروحاً به بیان آورده است. علاوه بر این روابط نهانی مابین پیر و مرید یعنی حضرت شاه قاسم فیض بخش و میر شمس‌الدین محمد عراقی، اسفار، تربیت مریدان، تعلقات به حکمرانان وقت و به علمای معاصر و افاضل وقت امور سفارت، تعمیر جوامع و خواتق، مساجد و مزارات از دست آنها و غیره مفصلاً ذکر شده است.

اهمیت و ارزش تحفة الاحباب

در این کتاب اصول و قواعد سلسله طریقت نوربخشیه مسائل صوفیانه، اصطلاحات و امور فقهی و دینی را بحث کرده‌اند به علاوه تعلیمات نوربخشیه، آداب طریقت، چله‌کشی و اعتکاف‌نشینی، اوراد و اذکار و وظائف، کیفیت مراقبه و غیره را به بیان آورده است. بنابراین برای فهم و درک درست سلسله نوربخش *تحفة الاحباب* گنجینه اطلاعاتی دارد و مختصر این که این کتاب تفسیر حقیقی شریعت، طریقت و حقیقت سلسله نوربخشیه است.

تحفة الاحباب نه تنها تذکره‌ای است بلکه جنبه تاریخی هم دارد. در این کتاب واقعات سیاسی و تاریخی هم ضبط شده است لهذا این کتاب از لحاظ سیاسی، اجتماعی، مذهبی، آداب و رسوم، زبانی، ادبی و اقتصادی اهمیت خاصی دارد و برای مطالعات کشمیر آسیای میانه، ایران، افغانستان، تبت و غیره خیلی مفید و حایز اهمیت می‌باشد.

تحفة الاحباب اطلاعات بسیار مفیدی دربارهٔ دنیای اسلام فراهم می‌سازد و نیز در باب رسوم و عادات، عقاید مذهبی هندوان کشمیر دارای اطلاعات ذی‌قیمتی است به‌علاوه رسوم، عادات و اطوار، عقائد، پوشش مردمان، اوزان پیمائش، نظام نقل و حمل، آلات ساز و آواز، صنعت و حرفت، صنایع دستی ظروف خورد و نوش، زر و زیور، اشیای نفیس، امام و پیام و غیره اطلاعات سودمندی به‌دست می‌دهد. به‌علاوه فرق و اقوام و مذاهب دیگر، سلسله‌های مختلف تصوف، اقوام و قبائل مختلف خانواده‌ها، ادویات، جانوران چرند و پرند، انواع و اقسام گل و غیره به‌تفصیل بیان شده است.

از مطالعهٔ تحفة الاحباب چنین برمی‌آید که در آن وقت در کشمیر تعداد بتخانه‌ها چقدر بودند محلّ احداث و طرز تعمیر آنها نیز روشن می‌شود. بر جاهای منهدمه، مساجد، خوانق و جوامع که تعمیر شدند، صاحب کتاب محلّ وقوع، حدود اربعه و تفصیل موقوفه اراضی را به‌بیان آورده است. با در نظر گرفتن نام و محلّ وقوع نواحی مختلف، ده‌ها شهر و راه‌ها، کوه‌ها، اسامی رودها و تالاب‌های کشمیر، خراسان، ماوراءالنهر، افغانستان، ایران و تبت و غیره تحفة الاحباب را از حیث جغرافیای ارزش می‌بخشد.